

نظامی در چین

گفت و گو با جان هویی

■ آقای جان هویی لطفاً قبل از هر چیز خودتان را معرفی کنید .

□ من در ۲۹ آوریل ۱۹۳۸ میلادی متولد شدم ، در سال های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳ در دانشگاه پکن زبان فارسی آموختم . بعد در اداره نشریات زبان های خارجی به عنوان مترجم مشغول شدم و اکنون بازنشسته شدم .

■ در خبرها آمده است که شما کتاب های ادبی زیادی ترجمه کرده اید که بیشتر دیوان شعر بوده است . اما ترجمه شعر کار آسانی نیست . شما چگونه در این راه گام نهادید؟

□ زمانی که نوجوان بودم ، بارها به تماشای نمایش شعر خوانی که بازیگران با احساسات و صدای بلند در آن شعر می خوانند ، رفتم و رفته رفته به شعر علاقه پیدا کردم ، هم شعر می خواندم و هم شعر می سرودم . پس از تدریس زبان فارسی ، پی بردم که ایران یک کشور قدیمی و متملن است که سنت شعر خوانی دارد . از آن موقع دلم می خواست که در آینده اشعار مشهور ایرانی را برای چینیان معرفی و تشریح نمایم .

■ چه موقع شروع به ترجمه کتاب های ادبیات فارسی کردید؟

□ بعد از سال ۱۹۸۰ یعنی بعد از پایان انقلاب فرهنگی چین ، در ابتدا اشعار ترجمه شده ام را در مجلات ادبی چین درج کردم ، بعد دیوانی به عنوان دیوان رودکی در سال ۱۹۸۲ ترجمه و منتشر کردم . چون مورد علاقه چینیان بود و لذا به زودی تجدید چاپ شد . در سال ۲۰۰۱ این دیوان را پس از اصلاح و افزایش بر محتوای آن بار دیگر به چاپ رساندم .

■ کدام شعر رودکی را بیشتر می پسندید؟

□ مشکل است که بگویم کدام شعر رودکی را بیشتر دوست دارم .

اما می توانم وضع علاقه چینیان را به اشعار رودکی برای شما بیان کنم . بعد از چاپ دیوان رودکی به زبان چینی ، ده ها کتاب اشعار ترجمه آثار رودکی را شامل می شد . این اشعار هم قطعات ، هم رباعیات و هم قصاید را در برمی گرفت . قطعات به مثال شعر «چشم ز غمت مهر عقیقی که بسفت» ، شعر «گل صد برگ و مشک و عنبر و سیب» و غیره ، رباعیات به مثال شعر «در پیش خود آن نامه چو بلکامه نهم» ، شعر «دیدار به دل فروخت ، فروخت ، نفروخت گران» و غیره قصاید به مثال شعر «مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود» شعر «مادر می را بکرد باید قربان» و غیره .

■ بعد از رودکی ، شما کدام شاعر ایران را برای چینیان معرفی کردید؟

□ بعد از رودکی منتخبات نظامی گنجوی را ترجمه و منتشر کردم . این منتخبات ترجمه شده مرکب است از ۶۲ غزل ، ۵۵ رباعی و ۲ قصیده . به علاوه خمسه نظامی گنجوی را هم به طور مختصر شرح دادم و ۱۷ قسمت از آن را انتخاب و ترجمه کردم . مثلاً از اسکندرنامه سه قسمت ترجمه نمودم از جمله «مناظره نقاشان رومی و چین» ، «افسانه ارشمیدس با کنیزک چینی» و «افسانه مانی صورتگر» چون این قسمت ها با چین ارتباط داشت و چینیان به آن علاقه مند بودند .

■ به رباعیات شاعران ایران علاقه دارید؟

□ بله ، چون رباعی ایران با نوعی شعر قدیم چین به نام «چیوه چیو» مشابه بوده است . من جریان رشد رباعیات ایران را به نحو احسن مورد بررسی و مطالعه قرار دادم و رباعیات ۵۰ شاعر ایران را ترجمه و منتشر کردم . در عین حال ، رباعیات عمر خیام را نیز ترجمه و به چاپ رساندم . می دانید که در چین کسانی که رباعیات عمر خیام را ترجمه کرده اند بیش از ۲۰ نفر بودند و من فقط یکی از آنها هستم . علاوه بر این ، متوجه



افتخاری از جوایز کتاب کشوری چین را به دست آورد. رئیس جمهور ایران هنگام سفر به چین در ژوئن سال ۲۰۰۰ با در نظر گرفتن خدمات من در مورد ترجمه و بررسی و تحقیقی ادبیات ایران به من و چند نفر تقدیر نامه «دانشمند برجسته» اعطا کرد.

■ شما درباره ترجمه ادبیات فارسی صحبت کردید. خواهشمندم درباره بررسی و تحقیقات ایران شناسی و ادبیات فارسی خود برای ما بیشتر توضیح دهید.

□ بررسی و تحقیقات من به دو زمینه تقسیم می شود: ایران شناسی و ادبیات فارسی، اجازه بفرمایید اول وضع بررسی ایران شناسی را شرح دهم. در سال ۲۰۰۲ من در اولین کنفرانس ایران شناسی در تهران حاضر شدم و رساله‌ای به عنوان «موقعیت مهم تمدن باستانی ایران در تاریخ تمدن جهان» تقدیم نمودم.

■ مضمون این رساله را به طور مختصر برای ما شرح دهید؟

□ در عصر باستان، چهار منطقه منشأ عمده تمدن جهانی موجود بود که شرق آسیا، جنوب آسیا، اروپا و غرب آسیا شمال آفریقا را دربرمی گرفت و برای هر منطقه یک مرکز وجود داشت. این مراکز عبارت بود از چین در شرق آسیا، هندوستان در جنوب آسیا، یونان از اروپا و ایران از غرب آسیا و شمال آفریقا یعنی ایران یکی از چهار کشور قدیمی متمدن جهان است.

■ دلایلی که این نظر جدید را مطرح کردید چیست؟

□ به نظرم سه شرط برای کشور متمدن باستانی لزوم دارد. شرط اول: تمدن آن کشور قرن‌های پیش شروع شده است.

شده‌ام که روابط بین چین و ایران در رباعیات عمر خیام منعکس شده است. امیدوارم در آینده بتوانم این وضع را به طور مفصل تشریح کنم.

■ غزلیات ایران چگونه است؟ آیا آثاری در این زمینه ترجمه کرده‌اید؟

□ بله، غزلیات شعرای ایران از جمله غزلیات حافظ، سعدی، مولوی، عطار، سنایی و غیره را برگردانده و به عنوان غزلیات ایران چاپ کرده‌ام.

■ آیا کتاب‌های نثر ایران را ترجمه کرده‌اید؟

□ بله، قابوسنامه و کتاب‌های دیگری هم از فارسی به چینی ترجمه نموده‌ام. قابوسنامه در سال ۱۹۸۹ چاپ گردید و تاکنون چهار بار تجدید چاپ شده است. به علاوه، من برخی از داستان‌های نویسندگان معاصر مثلاً صادق هدایت را ترجمه کردم که در مجلات گوناگون درج شد. در ضمن کتاب کودکان را نیز برگرداندم.

■ شما به عنوان یکی از مترجمان «مجموعه آثار کلاسیک ادبیات فارسی» چندین بار جایزه گرفته‌اید، این صحت دارد؟

□ بله، دو جلد از این مجموعه متعلق به من بود که یکی از آن دیوان رودکی و دیگری جلد پنجم مثنوی مولوی بود. «جیانگ زمین» رئیس جمهور سابق چین در سفر به ایران در آوریل سال ۲۰۰۲ این مجموعه را به عنوان یادگاری به همتای خود خاتمی تقدیم کرد. هر دو نفر جلد پنجم ترجمه من را امضا کردند. این مجموعه در فوریه سال ۲۰۰۳ جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را دریافت نمود و در سپتامبر سال ۲۰۰۳ جایزه درجه یک از جوایز کتاب برجسته ادبیات خارجی چین را به خود اختصاص داد و دسامبر همین سال، جایزه

شرط دوم: راه پیشرفت این تمدن قطع نگردیده است.
شرط سوم: ویژگی‌های این تمدن بسیار بارز و چشمگیر بوده و سیستم فرهنگی شکل گرفته و در ضمن ملیت‌های دیگر را تحت تأثیر خود گذاشته و یک دایره فرهنگی ایجاد کرده است.
هر کسی بعد از بررسی ایران می‌تواند ببیند که تمدن باستانی ایران با سه شرط فوق مطابقت دارد.

در شاهنامه و در کتاب‌های قدیم چین و مقایسه آنها» عرضه کردم. یاد می‌آید که بعد از سخنرانی، دو سه دانشمند ایرانی پیش من آمدند و گفتند رساله من خیلی خوب بود. این رساله سپس در کتابی در سال ۲۰۰۳ به زبان چینی چاپ شد.

■ چه مقاله‌ای در کنفرانس نظامی گنجوی ارائه کردید؟

□ من برای کنفرانس نظامی گنجوی که سال ۱۹۹۱ در تبریز ترتیب یافت، رساله‌ای به عنوان «نظامی گنجوی و چین» بردم. در این رساله من سه مطلب نوشتم که عبارت است: از تصویر چین از دیدگاه نظامی و حقایق تاریخی، تأثیرات آثار نظامی در ادبیات اویغور و ملیت‌های دیگر غرب چین، وضع ترجمه و معرفی آثار نظامی گنجوی در چین.

در چشم نظامی گنجوی چین زیبا و مرموز بود. ظاهراً او در تصویر چین غلو کرده و بعضی اوقات حتی عنان اختیار را از دست داده است، ولی در حقیقت بدون اساس نبوده است. در این باره، من چند مثال آوردم. مثال اول «داستان مناظره نقاشان رومی و چین از شرفنامه»، مثال دوم داستانی مربوط به تشریف فرمایی مانی به چین به منظور تبلیغ دین خود از شرفنامه، مثال سوم تصویر خاقان چین از هفت پیکر، مثال چهارم تصویر دختران چین. نظامی گنجوی در چند داستان دختران چین را ترسیم نموده است. مثلاً داستان نشستن بهرام در گنبد صندلی در هفت پیکر، افسانه ارشمیدس با کنیزک چینی در اقبال‌نامه و غیره. به غیر از این، نظامی گنجوی غزلی درباره دختر ختن که شهر جنوب سین جیانگ چین بود هم به رشته تحریر درآورد:

یارب، چه جمال است این کان ماه ختن دارد؟

صد یوسف کنعانی در چاه ذقن دارد

در طاق دو ابرویش خورشید نهان گشته

زیبا صحنی بر رخ یاقوت عدن دارد

گویی که گل سرخست اندر چمنی رسته

هم سرو سهی بالا، هم صحن چمن دارد

گر حسن بت از خوبی چون شهید و شکر باشد

در شعر نظامی بین، چه ذوق سخن دارد؟

از نظر نظامی گنجوی دختران چین بسیار زیبا بودند. حتی یوسف

کنعان هم مجبور شد در چاه ذقن دختر ختن بیفتد.

■ در کنفرانس خواجوی کرمانی چه بحثی را ارائه کردید؟

□ من رساله‌ای به عنوان «خواجوی کرمانی و چین» به آن کنفرانس تسلیم کردم. در این رساله نوشتم که «هما و همایون» که به قلم خواجوی کرمانی نگاشته شده بود عشق شاهزاده ایران و شاهدخت چین را توصیف نموده است. این شعر قدرت تخیل شاعر را نشان می‌دهد و محتوای آن پر پیچ و خم و جذب‌کننده بود و آمد و رفت‌های مردم ایران را با خلق چین و دوستی بین آنها را منعکس می‌نمود. به نظرم در «هما و همایون» چهار مطلب راجع به چین نگارش گشته است:

■ چرا فقط این چهار کشور را جزو کشورهای قدیم متمدن جهان قرار دادید؟ مگر مصر، روم و کشورهای قدیم دیگر کشور متمدن به حساب نمی‌آیند؟

□ وقتی ما تاریخ جهان را به طور کامل بررسی می‌کنیم متوجه می‌شویم که در زمان باستانی جنگ‌ها در دو منطقه - یکی چین و دیگری غرب آسیا و شمال آفریقا - بیشتر روی می‌داد - چین باستانی به رغم جنگ‌های پی در پی امپراتوری واحد و بزرگ را حفظ نموده و بعد از جنگ تمدن ویژه شرق به پیش راند. جنگ‌ها در غرب آسیا و آفریقا به سبب تضادهای کشورها و ملیت‌های مختلف صورت گرفت و این جنگ‌ها فرهنگ‌های شاداب متعددی را از بین برد و مایه تاسف بشر بود. مصر باستانی را مثال بیاوریم مصر در سال ۳۰۰۰ تا ۱۳۹۶ قبل از میلاد تمدن شکوفای باستانی به وجود آورد. ولی بعد از آن مورد تجاوز و اشغال لیبیایی‌ها، نوبیایی‌ها و آشوری‌ها قرار گرفت. با وجود اینکه بعد از آن به استقلال کوتاه مدتی دست یافت در سال ۵۲۵ قبل از میلاد از طرف امپراتوری فارس اشغال گردید. بعد استقلال را بار دیگر کسب کرد. اما پس از حمله اسکندر در سال ۳۳۲ قبل از میلاد برای همیشه تحت حکمفرمایی ملیت‌های بیگانه قرار گرفت و در سال ۳۰ قبل از میلاد بخشی از روم شد. مصر باستانی که تحت تسلط طویل‌المدت ملیت‌های بیگانه واقع شده بود، فرهنگ خود را ادامه نداد و بالاخره این تمدن به تمدن مرده تغییر یافت. به غیر از مصر، بابل هم به مصر باستانی خیلی شبیه بود و تمدن آن هم مضمحل شد.

ایران یکی از چهار کشور قدیمی و متمدن جهان معرفی شد، زیرا که فرهنگ فارسی با رشد و رونق خود فرهنگ کشورها و ملیت‌های نزدیک ایران را تحت تأثیر قرار داده و یک دایره فرهنگ پدید آورد. اما فرهنگ روم با این خیلی فرق داشت. فرهنگ روم در حقیقت ادامه تمدن یونان باستانی بود. از این رو ایتالیا کشور قدیمی متمدن عمده جهان محسوب نمی‌شود.

■ رساله‌های شما مربوط به ادبیات ایران چطور بود؟ می‌توانید مضمون آن را برای ما هم بیان کنید؟

□ من هر کتابی را که ترجمه می‌کنم یک پیش‌گفتار مفصلی می‌نویسم. همه این پیش‌گفتارها در حقیقت رساله است. به غیر از این، من در سه کنفرانس جهانی فردوسی، نظامی گنجوی و خواجوی کرمانی ایران شرکت کردم و رساله‌هایی برای این کنفرانس‌ها آماده ساختم. من در کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی که در سال ۱۹۹۰ برگزار شد رساله‌ای به عنوان «درباره چگونگی آفرینش جهان و انسان نوشته شده

۱) مناظر زیبای چین ۲) تشریفات رسمی چین ۳) شرارت و حيله گری فغفور چین ۴) زیبایی دختران چین. شاعر همایون را این گونه توصیف کرده است:

بت روی مه پیکر است

که با وی پرزاد سیمین بر است

■ به جز این رساله‌ها شما مقاله‌های دیگر هم نوشته‌اید؟

□ من در سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۵ به عنوان دبیر اول فرهنگی سفارت چین در ایران بودم و در سال ۱۹۸۹ به عنوان عضو و مترجم هیأت نمایندگی مطبوعات و انتشارات چین از ایران دیدن نمودم و به آن کشور سفر کردم. بدین جهت با ایران نسبتاً آشنا شدم و ده‌ها مقاله درباره این کشور نوشتم.

■ این مقاله‌ها را منتشر کرده‌اید؟

□ بیش از سی مقاله در روزنامه‌ها و مجلات درج شده در سال ۱۹۹۲ کتابی با عنوان **سفر به ایران** با همکاری دو نفر دیگر منتشر نمودم که نیمی از آن به قلم من به رشته تحریر درآمده بود.

■ محتوای این مقاله‌ها چه بود؟

□ این مقاله‌ها شامل دیدها و شنیده‌ها در ایران، اعیاد ایران مانند نوروز، اشیای مختلف انحصاری ایران مانند پسته، بادام، خرما، رسوم و عادات ایران و غیره بود.

■ **آقای جان هویی، شما کتاب‌های بسیاری از ادبیات فارسی ترجمه کرده‌اید، به نظر شما کدام شاعر در چین تأثیرات بیشتری داشته است؟**

□ همانند اینکه برای محققین ایران مشکل است تعیین کنند که کدام شاعر از فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ بزرگ‌تر بوده است، خوانندگان چین به همه شعرای بزرگ ایران علاقه دارند، اما اگر بپرسید اشعار کدام شاعر فارسی در چین بیشتر ترجمه گردیده است، می‌توانم جواب دهم: عمر خیام.

■ **منظور شما این است که رباعیات عمر خیام در چین بارها ترجمه شده است؟**

□ بله، می‌دانید مترجمان رباعیات عمر خیام در چین چند نفر بودند؟ - حداقل ۲۲ نفر.

بعضی از آنها شهرت فراوانی داشتند. مثلاً دکتر هوشی که رئیس سابق دانشگاه پکن بود، حتی در سال ۱۹۱۹ دو رباعی عمر خیام را از زبان انگلیسی ترجمه نمود.

«گوه مه ژوه» که شاعر، مورخ، باستان‌شناس، رئیس فرهنگستان

سابق و هم معاون رئیس کمیته مجلس ملی نمایندگان خلق چین بود در سال ۱۹۲۴، ۱۰۱ رباعی عمر خیام را از انگلیسی برگرداند و بعد از آن چند بار تجدید چاپ شد. وانگ مینگ - وزیر فرهنگ سابق چین - ده‌ها رباعی عمر خیام را از زبان ازبکی ترجمه کرد. ۴ نفر از این ۲۲ مترجم، فارسی دان هستند. این چهار نفر رباعیات عمر خیام را مستقیماً از فارسی به چینی ترجمه و منتشر کردند. نام‌های آنها **جانگ هون بیان**، **سینگ بینگ شون**، **موهونگ بیان** و **بنده هستند**.

■ چرا مترجمان چین تا این حد به عمر خیام علاقه داشتند؟

□ البته دلایل زیادی وجود داشت، اما نمی‌توان دودلیل زیر را نادیده گرفت.

یک نوع شعر قدیم چین به نام «**جیوه جیوه**» بسیار شبیه رباعی فارسی بود که هم چهار مصرع داشت و مصرع‌های اول، دوم و چهارم معنی و پر وزن معینی بود. به علاوه، ملیت اوغور که یکی از اقلیت‌های ملی چین بود هم «رباعی» داشت که با رباعی فارسی هیچ تفاوتی نداشت. دیگر آنکه رباعیات عمر خیام روابط بین چین و ایران را منعکس کرد.

■ چه نوع روابطی؟

□ مثلاً عمر خیام رباعی سرود که:

ما لعبتکانبیم و فلک لعبت باز

از روی حقیقی نه از روی مجاز

باز بیچه همی کنیم بر نطع وجود

افتیم به صندوق عدم یک یک باز

شاعر مردم را به لعبت مانند دانست و فلک را به لعبت باز. به نظر باستان‌شناسی، لعبت بازی ابتدا از طرف چینیان آفریده شد و بعداً به ایران رفته است. «سی ماجیان» که مورخ نامدار دو قرن قبل از میلاد چین بود در کتاب خود با عنوان **یادداشت‌های تاریخ چین** نوشت: «دید که لعبت چوبی و لعبت گلی به گرمی درد دل می‌کنند.»

■ مثال دیگری هم هست؟

□ بله، الان رباعی دیگر می‌خوانم:

این چرخ فلک که ما درو حیرانیم

فانوس خیال ازو مثالی دانیم

خورشید چراغدان و عالم فانوس

ما چون صوریم کاندر او حیرانیم

■ شما نسبت به ترجمه آثار ادبی دو کشور چه نظری دارید؟

□ امیدوارم هم ترجمه چینی به فارسی و هم ترجمه فارسی به چینی زیادتر انجام شود تا آشنایی متقابل بین چین و ایران تقویت گردد و دوستی مردم دو کشور و همکاری دو کشور پیشرفت کند.